خبر

ماجرای کشتی اسرائیلی ادامه دارد

هشدار متقابل ایران و آمریکا

● **شرق:** داستان کشتی اسرائیلی دنباله‌دار شد. ایران و آمریکا، با حضور بریتانیا دوباره وارد فاز خط‌ونشان شدند. چند روزی بود که اسرائیل ایران را بابت اتفاقی که در دریای عمان برای کشتی‌اش افتاده بود، متهم می‌کرد؛ اما دیروز از طرفی ایالات متحده رسما اعلام کرد ایران را مقصر این حادثه می‌داند. از طرف دیگر نیز ایران که این اتهام را رد می‌کند، بابت واکنش‌های احتمالی در این زمینه به طرف‌های مقابل هشدار داد. مسئله درخورتوجه این است که این نوع تنش که یک طرف آن ایران و یک طرف دیگر آمریکا و متحدانش باشند، تجربه آشنایی است. نکته درخورتوجه اینجاست که پس‌زمینه این نوع تنش‌ها هم تکراری است: از چندین سال پیش، هر بار وضعیت پرونده هسته‌ای ایران، توافق هسته‌ای و برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام، دچار تردید و تنش شده است، اتفاقات این‌چنینی در آب‌های جنوب ایران رخ می‌دهد و این قبیل اتهامات به سمت ایران روانه می‌شوند. گویی وضعیت تنشی که در روابط ایران و غرب پدید می‌آید و تردید درباره سرنوشت گفت‌وگوها بین دو طرف فرصت مناسبی فراهم می‌کند که مخالفان فروکش‌کردن تنش و امیدواران فروپاشی توافق‌ها تلاش‌های خود را جدی‌تر کنند و با ضربه‌های خود، رشته باریک‌شده تعامل را پاره کنند. این بار هم درست در شرایطی که مذاکرات احیای برجام در وین از لب مرز توافق به دره ابهام و ناامیدی بازگشته است، دوباره ماجرایی در دریای عمان شروع شده است و تلاش چندروزه اسرائیل هم به نتیجه رسیده تا پای دیگران به این تقابل هم کشیده شود. در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ هم زمانی که او پرچم مخالفت با توافق و دیپلماسی با ایران را برداشت، ادعای پیداکردن بقایای موشک ایرانی در جنگ یمن توسط مقامات دولت ترامپ مطرح شد. داستان نفت‌کش‌های ژاپنی و نروژی در حوالی تنگه هرمز هم زمانی درست شد که تنش‌ها بالا گرفته بود و البته نخست‌وزیر ژاپن به امید تلاش برای کاهش همین تنش‌ها راهی تهران شده بود تا با مقامات ایران دیدار کند.

هشدار مقام ایرانی درباره «ماجراجویی»

در همین زمینه یک مقام مسئول درباره این تهدیدات و اتهام‌ها به «نورنیوز» گفت: «اگرچه جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات مقامات غربی و رژیم صهیونیستی را بیشتر ژست‌های تبلیغاتی قلمداد می‌کند؛ اما انجام هرگونه اقدامی علیه منافع و امنیت ملی ایران با پاسخ شدید و قاطع روبه‌رو خواهد شد و مسئولیت تبعات آن نیز مستقیما متوجه واشنگتن و لندن است». روز یکشنبه نیز سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه، در پاسخ به سؤالی دراین‌باره گفت: «موجودیت نامشروع رژیم اشغالگر قدس باید از اتهام‌زنی‌های واهی علیه ایران دست بردارد. این رژیم بار اولش نیست که از این اتهامات مطرح می‌کند». خطیب‌زاده ادامه داد: «این اتهامات بچگانه و در چارچوب لابی اجاره‌ای و شناخته‌شده رژیم اشغالگر قدس در آمریکا است. مقامات رژیم صهیونیستی باید بدانند که با این فرافکنی‌ها، دردی دوا نمی‌شود». او تصریح کرد: «مادامی که صهیونیست‌ها و رژیم اشغالگر قدس دام پهن می‌کنند، ما نباید در این دام بیفتیم».

وزیر خارجه آمریکا: مطمئن شدیم کار ایران است

پیش از این موضع‌گیری دیروز، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، در بیانیه‌ای دراین‌باره گفت: «با بررسی اطلاعاتی که در دست است، مطمئن هستیم که ایران این حمله را با استفاده از پهپادهای قابل انفجار انجام داده است. یک توانایی مهلک که به طرز رو به افزایشی در منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این حمله منجر به کشته‌شدن دو انسان بی‌گناه شد». بلینکن همچنین گفت: «ما با شرکای‌مان در زمینه بررسی اقدامات بعدی‌مان و مشورت با دولت‌های داخل منطقه و خارج از آن درباره پاسخی مناسب که در آینده‌ای نزدیک خواهد بود، همکاری می‌کنیم. باری دیگر به خانواده قربانیان تسلیت می‌گوییم».

وزیر خارجه بریتانیا: به احتمال زیاد کار ایران بوده است

همتای بریتانیایی بلینکن البته موضع محتاطانه‌تری گرفت و در یک‌قدمی متهم‌کردن رسمی ایران متوقف شد. دومینیک راب، وزیر امور خارجه، در بیانیه‌ای دراین‌باره گفت: «بریتانیا این حمله غیرقانونی و بی‌رحمانه به یک کشتی تجاری در سواحل عمان را که به کشته‌شدن یک شهروند بریتانیایی و رومانیایی منجر شد، محکوم می‌کند. با دوستان و خانواده کسانی که در این سانحه جان باختند، ابراز همدردی می‌کنیم». راب در ادامه مدعی شد: «ما بر این عقیده‌ایم که این حمله عمدی، هدفمند و تخطی آشکار از قوانین بین‌المللی بوده است. ارزیابی‌های انگلیس به این نتیجه رسیده است که به احتمال زیاد، ایران بوده است که در تاریخ ۲۹ جولای با استفاده از یک یا چند پهپاد به کشتی تجاری مرسر استریت در آب‌های بین‌المللی عمان حمله کرده است. ایران باید چنین حملاتی را متوقف کند و کشتی‌ها باید بتوانند آزادانه و مطابق قوانین بین‌المللی دریانوردی کنند». او همچنین گفت: «بریتانیا در حال همکاری با شرکای بین‌المللی‌اش برای پاسخی هماهنگ به این حمله غیر قابل‌قبول است».

عکس: محمدرضا عباسی مهر

پاشنه آشیل وزیر خارجه کجا بود؟

ظریف قهرمان یا بازنده

زینب اسماعیلی‌سیویری

این مطلب را وقتی می‌خوانید که دولت حسن روحانی عمرش تمام شده، محمدجواد ظریف دیگر وزیر خارجه نیست و شاید در سالن مراسم تنفیذ روی صندلی نشسته تا دولت سیزدهم به ابراهیم رئیسی واگذار شود.

اما واقعا این دولت به پایان می‌رسد و تبعات تصمیمات و نحوه مدیریتش تمام می‌شود؟

اگرچه اکنون درباره تبعات تصمیمات این دولت شاید در ذهن بسیاری از ما عدم مدیریت در همه‌گیری کرونا، عدم واکسیناسیون سراسری این بیماری و فشار سنگین اقتصادی به یاد بیاید، اما این دولت یک میوه گرانبها داشت؛ برجام که به نام محمدجواد ظریف گره خورده است. شاید همین‌جای مطلب از ادامه خواندنش منصرف شوید و فکر کنید قرار است مطلبی تکراری درباره برجام بخوانید. به شما حق می‌دهم؛ شش سال است صفحات روزنامه‌ها و رسانه‌های مختلف پر است از دعوا بر سر برجام؛ دعوایی بی‌فایده بر سر موضوعی که شاید به نظر شما خالی از محتوا بیاید. اما نه، قرار نیست از برجام بنویسیم. این مطلب درباره محمدجواد ظریف است؛ پدر برجام که در این هشت سال، اوج و حضیض را با هم تجربه کرد.

هیجان زیر پوست ما

مرداد سال ۹۲، ظریف با یک نطق غرا در مجلس رأی آورد. هم شعر خواند و هم آیه قرآن و تنها با سؤال خنده‌دار قاضی‌پور، نماینده ارومیه، مواجه شد که از همه کاندیداهای وزارت پرسید به سربازی رفته‌اید یا نه. جواب همین سؤال هم البته به کارنامه ظریف مرتبط شد. اینکه او سربازی خود را هم به‌عنوان نماینده محلی در دفتر ایران در سازمان ملل گذرانده است؛ یعنی عمرش از ۱۷سالگی در نیویورک و در حال سروکله‌زدن با مباحث مرتبط با روابط بین‌الملل گذشته است.

مهرماه همان سال ۹۲ وقتی محمدجواد ظریف با آن فرم نه‌چندان راحتش در کادر عکسی قرار گرفت، در حال واردشدن به اتاق گفت‌وگوی دوجانبه با جان کری، هیجان زیر پوست بسیاری از ما دوید. همان روزها وقتی حسن روحانی تنها ۹ دقیقه با باراک اوباما تلفنی صحبت کرد، هیجان ما چندین برابر شده بود. یکباره آنچه سال‌ها شنیده بودیم، زنده شد؛ «غرور ملی». یکباره به نظر رسید درهای رابطه باز شده و شاید گره کور چندساله گشوده شود؛ اما نشد آنچه تصور می‌کردیم. البته خیلی‌ها همان زمان سازشان با ما کوک نبود ولی صدایشان لای صدای اکثریت گم می‌شد.

اما جواد ظریف از قهرمان ملی سال‌های ۹۲، ۹۳ و ۹۴ که توانست ۱۹ روز وزیر خارجه آمریکا را در هتلی در شهری اروپایی پابست کند تا توافق به دست بیاید، روز گذشته در حالی خداحافظی کرده که حتما زخم بسیار دارد؛ هم او و هم همکارانش.

او با نهایت اعتمادبه‌نفس روی صندلی وزارت خارجه نشست. ۳۰ سال تجربه داشت، کار بین‌المللی کرده بود و تجربه مذاکره داشت، در هر دو تجربه دیپلماتیک مهم قبلی ایران، یعنی قطع‌نامه ۵۹۸ و توافق سعدآباد، حضور و نقش داشته و حتی در کنفرانس بن برای قانون اساسی افغانستان تلاش کرده بود. او روابط بین‌الملل را در دانشگاه‌های آمریکا خوانده بود و زبان انگلیسی را هم به‌خوبی بلد بود؛ حتی به اندازه آمریکایی‌ها بلد بود از ضرب‌المثل‌هایش استفاده کند. اما همین وزیر خارجه پاشنه آشیل‌هایی داشت که او را و ما را رساند به اینجایی که اکنون هستیم. اینجا که اکنون در دوگانه برنده‌بودن یا بازنده‌بودن قرار داریم.

پاشنه آشیل

محمدجواد ظریف اگرچه دنیای بین‌الملل را خوب می‌شناخت و بر فرهنگ آمریکایی مسلط بود، اما به همان اندازه فضای سیاست داخلی ایران را نمی‌شناخت. او در دولت یازدهم بیشترین ضربه را از فضای مسموم سیاست داخلی خورد. از آنجا که برخی حرف‌هایی را زد که برای او به‌عنوان وزیر خارجه دردسر شد، از سخنرانی‌اش در دانشگاه تهران درباره توان نظامی آمریکا مقابل ایران یا وقتی در اندیشکده شورای روابط خارجی در پاسخ به پرسش یکی از ایرانیان گفت اگر آمریکا با این دولت توافق نکند، مردم در انتخابات دولت دیگری انتخاب می‌کنند که ممکن است مایل به مذاکره نباشد (نقل به مضمون). اکنون در تابستان گرم ۱۴۰۰ صحت حرف او را می‌توان بعینه دید؛ اما فضای سیاسی محافظه‌کار داخلی چنین صراحتی را نمی‌توانست هضم کند و بعد این ادعا پیش آمد که وزیر خارجه در فضای داخلی مداخله کرده است. در این هشت سال البته آنچه بسیار و راحت روا بوده، مداخله سیاست داخلی در سیاست خارجی بوده که تبعات آن را هم امروز می‌بینیم. از همین سیاق بود که جواد ظریف در همه جلسات علنی و غیرعلنی مجلس ازسوی پایداری‌چی‌های مجلس زخمی می‌خورد و از همان ساعات تا چند روز بعدش رگبار حملات در فضای رسانه‌ای ادامه می‌یافت. البته نکته‌ای هم باید افزود که آیا در فضای غیراخلاقی، آن که بر اساس معیارها و اصول اخلاقی عمل می‌کند، اشتباه می‌کند یا آن که غیراخلاقی عمل می‌کند؟ قضاوت درباره حکایت ظریف و حملاتی که ازسوی مجلسی‌ها دریافت می‌کرد، نیازمند پاسخ صریح به این سؤال و ابهام است.

اما یکی‌دیگر از پاشنه آشیل‌های ظریف حتما حضور پررنگ رسانه‌ای او بود. اگرچه این حضور اوایل کار او جذاب بود و زمانی که برجام میوه‌ای دلخواه بود، همه مصاحبه‌های ظریف را با ولع می‌خواندند، اما با ازدست‌رفتن برجام و پیچیده‌شدن وضعیت، فضا تغییر کرد. عمدتا مصاحبه‌های او به جدل روزهای آینده تبدیل می‌شد یا دوقطبی برجام و غیر برجام را تشدید می‌کرد. درحالی‌که وزیر خارجه وظیفه داشت تصویر شفاف‌تری از ایران به افکار عمومی جهان بدهد، با جدل داخلی بر سر سیاست خارجی، او اغلب درگیر مصاحبه با رسانه‌های داخلی بود تا در فضای ملتهب داخلی روشنگری کند؛ یعنی افتادن در ماز پیچیده‌ای که تماما برد داخلی داشت و در فضای بین‌المللی کمکی به دیپلماسی نمی‌کرد. ظریف آخرین تیر را هم از ناحیه همین مصاحبه خورد؛ وقتی مصاحبه‌ای برای ثبت در آرشیو دولت انجام داد و نکات حساسیت‌برانگیزش از درزهای دولت خارج شد تا او را به‌عنوان سردار دیپلماسی مقابل مرد میدان قرار دهد. ظریف تنها بود؛ در توییتر خودش باید جواب می‌داد، در مجلس و در دولت و در رسانه داخلی و خارجی نیز. این همه از میل شدیدش به دیده‌شدن نبود. او به‌واقع در رأس سیستمی قرار گرفته بود که مجبور بود همه فشارهایش را خودش تحمل کند. حتی سفرایش با اینکه چهره‌های عمدتا برجسته‌ای اعزام شده بودند، نتوانستند گرهی از روابط ایران با کشورهای مقصد باز یا گشایشی ویژه حاصل کنند.

تیر خلاص بر پیشانی ظریف

حتما آنچه بر ظریف در این هشت سال گذشته چند برابر پرهزینه‌تر از دیگر همکارانش در کابینه بوده؛ اما او اکنون دیگر چهره‌ای با محبوبیت در سال ۹۴ و با عناوینی مثل سردار دیپلماسی و مقایسه‌اش با محمد مصدق نیست. اگرچه بازنده هم نیست و این به مرور زمان مشخص می‌شود. اما سرنوشت وزیر خارجه دولت‌های یازدهم و دوازدهم همان روح سرگردان ایرانی ماست که از اوج قله تمدنی خود به‌راحتی می‌توانیم به موجودی خرد در مسیر دریافت واکسن کرونا به هر قیمتی بدل شویم. ما عادت داریم به قهرمان‌سازی و این موقعیت از درون تخریب‌شده ما برمی‌آید و ابهامات فراوان تاریخی که بر سر مسائل ساده و بدیهی زندگی در ایران کنونی داریم. حتما پاسخ ظریف در آن برنامه تلویزیونی که «ما خود انتخاب کرده‌ایم» همان تیر خلاص به پیشانی ظریف قهرمان را زد. او دقیقا در همان‌جایی که انگاره (image) قهرمانش ساخته شده بود و این باور که او به‌عنوان تحصیل‌کرده آمریکا سازنده خط فکری دیپلماسی ایران است، واقعیت میدان چیز دیگری بود. بسیاری در طراحی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران از او نقش پررنگ‌تری داشتند و می‌توانستند میهمان خارجی دعوت کنند و با پرواز اختصاصی به تهران بیاورند، در حالی که او در خانه‌اش از تلویزیون خبر را بشنود و بجوشد و استعفا دهد. ظریف زمانی بازنده شد که نقش او در دیپلماسی کمرنگ نشان داده شد، درحالی‌که او و سازمان وزارت خارجه بلد بودند با همین سیستم، تصمیمات را اجرا کنند ولی نشان دهد که تصمیم خودشان است و دم برنیاورد.

اما اکنون موضوع سیاست خارجی آن‌قدر ساده‌سازی شده که ادمین‌های کانال‌های مجازی برایش پوستر بسازند و لایک بگیرند، درحالی‌که مشخص نیست این خط فکری از کجا نشئت می‌گیرد.

جواد ظریف را اگرچه در نهایت این کارنامه‌نویسی می‌توان چندان قهرمان ندانست، اما دوره او اتفاقاتی رخ داد که نشان داد چقدر سازمان تخصصی دیپلماسی در این کشور یتیم است و ما ایرانیان چه میل پررنگی به قهرمان‌سازی و بالابردن انتظاراتمان داریم و این همان زمانی است که تبر برمی‌داریم و بت خودساخته را می‌شکنیم.

ماجرای دوشنبه‌نشینی دیپلمات‌ها و حمایت از ظریف

تفاهم لوزان در فروردین ۹۴ به دست آمد و با فکت‌شیت آمریکایی‌ها موج گسترده تخریب در داخل به راه افتاد. این تفاهم البته بسیار پراهمیت بود، سنگ‌بنای متن نهایی توافق وین در آن قرار داشت. در پاسخ به موج شدید اعتراضات و انتقادات به تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و در رأس آن محمدجواد ظریف، گروهی از دیپلمات‌های سابق در نامه‌ای به حمایت از آنها پرداختند. از فریدون مجلسی، دیپلمات قدیمی کشور از زمینه آن بیانیه و انتقادات بعدی پرسیدم.

عکس: سهند تاکی، شرق

آقای مجلسی یادم هست شما و برخی همکاران قدیمی حوزه دیپلماسی و اندیشه اوایل مذاکرات هسته‌ای در بیانیه‌ای از کار محمدجواد ظریف حمایت کردید. اما به مرور این همراهی شما کمرنگ شد و در مواردی به انتقادهایی هم پرداختند؛ اگرچه همیشه حامی او در جریان برجام بودید. علت این فرازونشیب حمایت از ظریف از سوی شما و برخی همکارانتان چه بود؟

طبیعت کار وزارت خارجه در ایران و همه جهان موجب می‌شود که میان دیپلمات‌ها که در مأموریت‌های چندساله در کشورهای مختلف در تماس دائم با یکدیگر هستند، نوعی رابطه خانوادگی ایجاد می‌شود. به همین دلیل حتی پس از پایان دوران خدمت نیز این‌گونه ارتباط‌ها به‌صورت دوره‌های دوستانه و گاه خانوادگی برقرار می‌ماند. یکی از این دوره‌ها مربوط به برخی از دیپلمات‌های ارشد پیشین بود که در تهران بودند و تا چهار سال پیش به مدت بیش از ۳۵ سال بود که به‌طور منظم در روزهای دوشنبه آغاز هرماه، هربار در خانه یکی از همکاران، برقرار بود. من نیز در کنار دکتر بشارت از نسل جوان‌تری بودیم که در این محفل شرکت داشتیم و از تجربیات ارزشمند همکاران ارشد خودمان بهره‌مند می‌شدیم. طبیعتا بحث‌ها درباره خاطرات و تجربیات و تحلیل اوضاع سیاسی و بین‌المللی گذشته و حال و گاه ابراز نگرانی از خطرات احتمالی برای کشور دور می‌زد.

یکی از این دوره‌ها که در منزل من برقرار بود، هم‌زمان بود با مراحل دشوار مذاکرات ظریف و همکارانش برای رفع بحران بزرگی که در اثر تحریم‌های بین‌المللی و شش قطع‌نامه محکوم‌کننده شورای امنیت زندگی روزمره مردم را مختل و آینده کشور را با واکنش خطرناک جدی مواجه کرده بود. همه ملتهب و ناراحت و نگران بودند.

فرازونشیب مذاکرات دیپلماتیک مردم را گاه متزلزل و گاه امیدوار می‌کرد. اگرچه پایان‌دادن به خدمت همکاران ما یادآور خاطرات شیرینی نبود اما درک شرایط حساس موجب حمایت امیدوارانه همه همکاران قدیمی از تلاش‌های ظریف شده بود که بار اصلی مذاکرات را با توانمندی بر دوش داشت.

همه تلاش‌های او را تأیید می‌کردند. من از شادروان دکتر ابراهیم تیموری پرسیدم آیا ایرادی دارد که به یاد ایام گذشته که آقایان در شرایط دیگری به دنبال دفاع از منافع ملی بودند، این‌بار به‌جای این حمایت بی‌اثر در محفلی دربسته، از کسانی که تحت فشار بسیار همان مأموریت را بر عهده دارند، علنا حمایت شود؟ دکتر تیموری گفت ما که ابزاری برای اعلام حمایت نداریم. من گفتم دوستانی دارم که بتوانیم در مطبوعات منعکس کنیم و اعتبار اسامی آقایان و حمایت از زاویه‌ای، به تصور آنان رنجیده که انتظار آن را ندارند، موجب دلگرمی مذاکره‌کنندگان خواهد شد. دکتر تیموری ضمن تأیید موضوع را مطرح کرد و همه تأیید کردند. متأسفم که در آن زمان دیپلمات‌های برجسته‌ای از آن دوره مانند دکتر جعفر ندیم، عزالدین کاظمی، دکتر هوشنگ امیرمکری، دکتر شهیدزاده، ارسلان نیرنوری، دکتر ذوالعین و دکتر سیار دیگر در میان ما نبودند که اعتبار بازهم بیشتری به آن اقدام ببخشند و از آن روز نیز بسیاری از آن امضاکنندگان درگذشته‌اند که یادشان را گرامی می‌دارم.

مأموریت نوشتن متن را که باید به زبان سنتی دیپلماتیک خودمان و کوتاه و مختصر صرفا معطوف به موضوع نوشته می‌شد و به‌هیچ‌وجه چاپلوسانه نمی‌بود، به خودم محول کردند. متن را بی‌درنگ تایپ کردم و پس از طرح با اصلاحاتی تنظیم کردم و به روزنامه «شرق» و یکی از خبرگزاری‌ها فرستادم. اگر اشتباه نکنم، نسخه روزنامه اطلاعات را هم دکتر بشارت که سردبیر اطلاعات سیاسی و اقتصادی بودند، عهده‌دار شدند. اگرچه به دلیل برخی ملاحظات قابل‌درک از مقامات رسمی انتظار هیچ‌گونه بازخوردی نداشتیم اما مطمئن هستم که دلگرم‌کننده و مؤثر بود، زیرا چند روز بعدی اعلامیه مفصل و با آب‌وتابی به امضای ده‌ها نفر از سفیران و دیپلمات‌های شاغل در حمایت از تلاش‌های آقای ظریف در روزنامه‌ها منتشر شد. به توصیه دوستان با تماس‌های تلفنی اسامی برخی از همکاران خارج از آن دوره نیز با کسب اجازه به آن افزوده شد.

در پاسخ به پرسش دوم درباره پاره‌ای انتقادهای بعدی، باید عرض کنم تصور نمی‌رود هیچ‌یک از امضاکنندگان آن نامه در اقدام آن زمان خودشان دچار تردید شده باشند. اغلب آنان با احترام به عادت و الزام بی‌طرفی حرفه دیپلماتیک، در اظهارنظر رسمی از حامیان یا مخالفان ایدئولوژیک آقای ظریف یا دولت نبودند و داوری‌ها یا نقدهای بعدی نیز بستگی به این داشته است که کدام اقدام را از دیدگاه خود در جهت منافع و مصالح ملی شناخته یا نشناخته باشند. این‌جانب شخصا هنگام استعفای منطقی آقای ظریف نیز از اقدام ایشان حمایت کردم و البته الزامات سیاسی ایشان را نیز درک می‌کنم.

برای مثال هنگامی که فرمودند «ما خودمان خواسته‌ایم که این‌طور زندگی کنیم» تصور می‌کنم این «ما» صرفا به دایره دوستان ایشان مربوط می‌شود، آن را قابل تعمیم با دیگران نمی‌دانم، آنان که به تربیت حرفه‌ای خاص خود وفادار هستند، برای مثال کشور را متعهد به پیمان‌های بین‌المللی و قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل می‌دانند و به‌ویژه از حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی و احترام به حاکمیت و استقلال اعضای سازمان ملل و عدم توسل به تجاوز و تهدید و زور و همچنین به احقاق حقوق تضییع‌شده ملل با توسل به سازمان ملل متحد اعتقاد دارند و نسبت به رفتار خلاف آن منتقد هستند.

حمایت دیپلمات‌های سابق از تفاهم هسته‌ای

شرق: جمعی از دیپلمات‌های سابق کشورمان در نامه‌ای خطاب به وزیر امور خارجه، حمایت خود را از تفاهم سیاسی صورت‌گرفته و عملکرد تیم مذاکره‌کننده اعلام کردند. متن این نامه سرگشاده به شرح زیر است:

جناب آقای محمدجواد ظریف، وزیر محترم امور خارجه

اکنون که دور تازه گفت‌وگوهای دیپلماتیک به تفاهم سیاسی برای از میان برداشتن تحریم‌های زیان‌بخش به بار نشسته است و امید می‌رود پس از هشت سال رکود و آسیب به توافقی آبرومند و پایدار منجر شود، ما، گروهی از کارگزاران پیشین دیپلماسی ایران، پشتیبانی خود را از مساعی شما اعلام می‌کنیم و دستیابی به نتیجه نهایی را نویدبخشِ آرامش و ثبات و متضمن منافع ملی کشور می‌دانیم. ازمیان‌رفتن تحریم‌ها زمینه‌ساز توسعه سیاسی و اقتصادی و راه‌گشای مسیری امیدبخش و آبرومند برای اعتلای جایگاه سیاسی و دیپلماتیک در راه پاسداشت منافع ملی و شأن والای کشور عزیزمان خواهد بود. پاینده ایران. فریدون زندفرد، ابراهیم تیموری، عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، داوود هرمیداس‌باوند، ایرج امینی، مهدی احساسی، جواد هاشمیان، بهرام رضوانی، پرویز مهاجر، ابراهیم مکلا، مرتضی طلیعه، ناهید مهراد، محمدجواد مختاری، عبدالعظیم بیابانی، احمد مشوق‌زاده، ایرج تقی‌زاده، مهدی بشارت، حسین قاضی‌زاده، علیرضا شجاع‌پور، فرشته غفاری، علی دشتی، مرتضی مازیار، محمدحسین آهویی، اسمعیل نواب‌صفوی، سام رضوی، عبدالرضا غفرانی، فریدون مجلسی.

***متن اعلامیه کوتاه «دیپلمات‌های سابق» که در تاریخ یکشنبه ۱۶ فروردین در روزنامه «شرق» منتشر شد.**

ادامه از صفحه ۲

دیپلماسی در کابینه رئیسی(۵)

۶- در یک جمع‌بندی خلاصه به تبعیت از سه اصل «حکمت، عزت و مصلحت» به‌عنوان راهبرد عملیاتی نظام در سیاست خارجی و در پرتو راهبرد جدید آمریکا در خروج از منطقه و تمرکز برای مقابله با چین و روسیه، شرایط برای بررسی تغییر نگاه در راهبردهای سیاست خارجی فرا رسیده است. محاسبه کارشناسانه و فارغ از هیجان و تابوهای ذهنی پیش‌ساخته که زمان رهایی از آن مدت‌هاست سپری شده و تمرکز بر رهایی از وضعیت شکننده داخلی و قرارگرفتن در ریل‌های رشد و توسعه کشور، از مسئولیت‌های اصلی رئیس‌جمهور منتخب در تدوین راهبردهای سیاست خارجی در شورای عالی امنیت ملی است. استمرار وضعیت کنونی نتیجه محتومی جز اتلاف منابع، ازدست‌رفتن فرصت‌های توسعه و لاجرم عقب‌افتادگی، تعمیق مشکلات داخلی و تحمیل هزینه‌های کلان برای دستاوردهای اندک نخواهد داشت. درک این واقعیت که همچون بسیاری از کشورهای جهان اعم از قدرت‌های اقتصادی مانند چین و هند یا کشورهای مسلمان مانند مالزی و اندونزی می‌توان با جهان و به شمول آن آمریکا روابطی به دور از تشنج داشت ولی تابعی از متغیر سیاست‌های واشنگتن نشد، چندان معادله پیچیده و حل‌نشدنی‌ای نیست. برون‌رفت از این بن‌بست، نیازمند تغییر در نگرش‌ها و رویکردها و اولویت‌بخشی به منافع مردم و توسعه کشور است.

ادامه از صفحه اول

از حقوق کاربران فضای مجازی حفاظت کنید

از سوی دیگر سرمایه‌گذاری بر همگانی‌کردن تفکر علمی در علم در ایران و هم‌زمان توسعه فرایند و تأکید بر سازوکار غیررسمی یادگیری به‌ویژه در سال‌های اخیر، اثرهای فوری و فوق‌العاده داشته و ارتباط علمی را نه‌تنها بین نخبگان علمی بلکه بین نخبگان و مردم به سرعت گسترش داده است. نقش اجتماعی شبکه‌های مجازی در ترویج علم و سواد علمی با استفاده از فیس‌بوک، سپس اینستاگرام، تلگرام و واتس‌اپ امروزه به نحوی است که با حذف یا سخت‌شدن دسترسی به این شبکه‌ها عملا با عقب‌گردی مخرب در همگانی‌کردن علم و یادگیری نزد مردم، قطع ارتباط با دانسته‌های به‌روز و حذف تعامل بین مردم روبه‌رو خواهیم شد. انسداد گفت‌وگوی عمومی در فضای مجازی ازطریق شبکه‌های اجتماعی، کار دانشمندان برای یافتن مهم‌ترین مسائل جامعه را سخت خواهد کرد. ایجاد فضای مجازی برای یادگیری غیررسمی علم که در آن دانش‌آموزان و عموم مردم مخاطبان فضای مجازی هستند، به‌ویژه در دوران همه‌گیری کرونا اهمیت حیاتی خود را نشان داد. در ماده۲ «طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» آمده است: «...فعالیت پیام‌رسان‌های خارجی و داخلی اثرگذار» مشروط به تأیید هیئت ساماندهی و نظارت خواهد بود. در غیر این صورت فعالیت آنها در کشور «غیرقانونی» است، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است نسبت به «مسدودسازی دسترسی به آنها» اقدام نماید...» توجه شود که در شرایط تحریم، پیام‌رسان‌های خارجی اگر بخواهند در کشور ما دفتر هم داشته باشند عملا غیرممکن است. بنابراین در شرایط موجود و حتی با فرض برقراری مجدد برجام، با نکته طرح‌شده در این ماده، ارتباط کاربران ایرانی با پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های مجازی خارجی قطع می‌شود. در تبصره «۱» همین ماده۲ تأکید شده «تمام پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی فعال موظف‌اند حداکثر تا دو ماه پس از تصویب این قانون شرایط خود را با آن تطبیق دهند و تبصره «۲»: تأیید فعالیت پیام‌رسان‌های خارجی اثرگذار در کشور مستلزم تعیین شرکتی ایرانی به‌عنوان نماینده قانونی و پذیرش تعهدات لازم... است و تبصره «۵»: کلیه پیام‌رسان‌های اجتماعی داخلی و همچنین نمایندگی پیام‌رسان‌های خارجی اثرگذار (حسب توافقات انجام‌شده در مذاکرات رسمی) ملزم به رعایت مصوبات کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه و موارد ابلاغی دبیرخانه کارگروه در راستای پالایش مصادیق مجرمانه هستند. تمام موارد ذکرشده در تبصره‌های یادشده هنگامی امکان‌پذیر است که کشور ما در بستر ارتباطی جهان بدون تحریم و محدودیت حاضر باشد. وقتی درحال‌حاضر چنین نیست، تصویت چنین طرحی عملا به معنای بستن فضای اینترنت کشور خواهد بود. مردم و نخبگان در بیشتر موارد در حال بهره‌برداری مناسب و هوشمندانه و مثبت از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های مجازی هستند. در مشکلات مختلف از کم‌آبی و خشک‌سالی تا جوسازی‌های بیگانگان برای مشوش‌کردن مردم، گفت‌وگوهای همین فضای مجازی مانع از رادیکالیزه‌شدن فضای برای گروه وسیعی از کاربران ایرانی شده است. با محدودکردن یا بستن این فضا هم امکانات مثبت ارتباطی را محدود و ممنوع می‌کنید و هم هر مسئله داخلی عادی بدون امکان گفت‌وگوی غیررسمی می‌تواند به معضلی لاینحل در سطح کل جامعه تبدیل شود. از عاقلان مجلس توقع منطقی داریم که جلوی تداوم تصویب چنین طرح‌های آسیب‌زایی را بگیرند.